مجله رویه قضایی

نوع مقاله: پژوهشی
دوره ۱، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۴
دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۵ـ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۱۵

تأثیرپذیری احکام محاربه از بازتاب‌های رسانه‌ای؛ تغییر و تشدید عنوان مجرمانه با نگاهی به رویهٔ قضایی

✍ **مهدی کاظمی** ✉ mehdikazemi.mk1376@gmail.com

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکدهٔ حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران

محمدخلیل صالحی

استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکدهٔ حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران

چکیده: تغییر و تشدید عنوان مجرمانه به این دلیل رخ می‌دهد که در هنگام بازتاب رسانه‌ای جرم، دستگاه عدالت کیفری جهت اقناع مردم و رسانه‌ها، رفتار ارتکاب‌یافته توسط مجرم را به علت وجود مرز باریک میان عنصر مادی دو یا چند جرم، با جرم شدیدتر انطباق می‌دهد؛ مصداق اعلیٰ و اجلای سخن مذکور، خلط نمودن جرم محاربه با جرایم سرقت مسلحانه، بغی، قدرت‌نمایی با چاقو، سلب آسایش عمومی و جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی (موضوع مواد ۴۹۸ الی ۵۱۲ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی) می‌باشد که پس از انتساب اتهام جرم محاربه، متهمان، به شدیدترین مجازات از میان چهار مجازات محاربه که اعدام باشد در دادگاه بدوی و در برخی موارد در دیوان عالی کشور، محکوم گردیده‌اند. روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی بوده که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای (کتب، مقالات، سایت‌های خبرگزاری) و همچنین مصاحبه با قضات دادسرا، دادگاه و اساتید دانشگاه صورت پذیرفته است و همچنین روش نمونه‌کاوی پرونده‌های مورد بررسی در این تحقیق، روش نمونه‌گیری گلوله برفی می‌باشد. نتایج تحقیق حاکی از این است که انتساب اتهام جرم محاربه به متهمان از سوی دستگاه قضایی، به دستاویز امنیتی و تنبیهی تبدیل گشته و همچنین می‌توان با بیان موضوع نقض احکام بدوی از سوی دیوان عالی کشور در جرایم دچار بازتاب رسانه‌ای، بر وجود تأثیر رسانه بر صدور احکام سنگین از سوی دادگاه بدوی و حاکمیت عوام‌گرایی به جای نخبه‌گرایی بر پرونده، صحه گذاشت.

واژگان کلیدی: بازتاب رسانه‌ای جرم، عوام‌گرایی کیفری، رویهٔ قضایی، محاربه

استناد: کاظمی، مهدی و صالحی، محمدخلیل. (۱۴۰۴). تأثیرپذیری احکام محاربه از بازتاب‌های رسانه‌ای با تأکید بر رویهٔ قضایی. دوفصلنامه رویه قضایی، ۱ (۱)، ۱۲۵-۱۴۱.

https://doi.org/10.22034/juris.2025.725927

ناشر: دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.

© نویسندگان.

مقدمه

مقصود از بازتاب رسانه‌ای جرم، حالتی است که از ارتکاب عمل مجرمانه، خبر یا ویدیوکلیپ در فضای مجازی انتشار پیدا نموده که این رویداد گاهی اوقات با واکنش در سطح جامعه همراه بوده و مطالبهٔ عمومی در خصوص دستگیری و مجازات متهم را دربرداشته (فرجیها، ۱۳۸۵: ۶۳) و همچنین همراه با پیگیری‌های رسانه‌ها تا زمان مشاهدهٔ نتیجهٔ برخورد دستگاه قضایی، بوده است.

در توضیح مفهوم تغییر و تشدید عنوان مجرمانه، می‌توان این طور بیان نمود که در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ برخی از جرایم وجود دارند که میان عنصر مادی آنان با یکدیگر، شباهت‌هایی برقرار می‌باشد که امکان تطبیق آن با جرم دیگر را فراهم می‌نماید. به عنوان مثال جرایمی نظیر محاربه، قدرت‌نمایی با چاقو، سلب آسایش عمومی، سرقت مسلحانه و ایراد ضرب یا جرح عمدی با چاقو از انواع جرایمی هستند که چنانچه فردی مرتکب رفتاری با قابلیت انطباق با جرایم فوق‌الذکر گردد، در هنگام انتساب عنوان مجرمانه به متهم، اتهام جرم شدیدتر که محاربه می‌باشد، ممکن است به وی تفهیم شود. توضیح اینکه در بازتاب رسانه‌ای جرم، احتمال وقوع چنین رخدادی بالا خواهد بود.

موضوع تحقیق حاضر را می‌توان تا حدود زیادی با مبحث جرم‌شناسی فرهنگی مرتبط دانست. جرم‌شناسان فرهنگی بر نقش تصویرها و مفهوم‌های نمادین در میان بزهکاران و خرده‌فرهنگ‌های مجرمانه تأکید می‌ورزند؛ این تصویرها و مفهوم‌های نمادین می‌توانند از گذر بازنمایی رسانه‌ای و سامانه دادگستری جنایی، در جامعه و افکار همگانی نیز بازتاب یابند (رایجیان اصلی، ۱۴۰۱: ۳۸۹) در واقع این بازنمایی رسانه‌ای، تصویری از یک هراس اخلاقی که رسانه‌ها ساخته و پرداخته‌اند که در نتیجه، هراس اخلاقی، به عنوان یک مفهوم کلیدی در جرم‌شناسی فرهنگی، عبارت است از رویه‌هایی که نهادهای اجتماعی مانند رسانه‌ها، پلیس و دستگاه قضایی، گروه‌ها یا افراد خاصی مانند بعضی از مجرمان را منحرف یا تهدیدی علیه جامعه می‌انگارند.

به عنوان مروری بر پیشینهٔ تحقیق، تحقیقی را که به طور خاص به مفهوم تغییر و تشدید عنوان مجرمانه پرداخته باشد، یافت نگردید و تحقیقات موجود، بازنمایی رسانه‌ای جرم را از منظر سایر جنبه‌ها نظیر پیشگیری از جرم و ... مورد بررسی قرار داده‌اند، اما آثار ذیل را به دلیل داشتن برخی مبانی مشترک با تحقیق حاضر، می‌توان به عنوان پیشینهٔ تحقیق بیان نمود.

در مقاله «بررسی آثار بازنمایی رسانه ای جرم در اخبار و گزارش‌های رسانه‌ای با تأکید بر پیشگیری از جرم» (میرخلیلی و عزیزی، ۱۳۹۸) به بازنمایی رسانه‌ای جرم از منظر تأثیر بر پیشگیری از جرم پرداخته شده است که وجه تفاوت آن با تحقیق حاضر، اولاً در خصوص تغییر و تشدید عنوان مجرمانه بوده که بحثی به میان نیاورده و ثانیاً در خصوص برخی از جرایم خاص نیز بحثی به عمل

نیاورده و به طور کلی مقولهٔ جرم را بررسی نموده و به جرم خاصی ورود پیدا نکرده است. مقاله «سیاست کیفری عوام‌گرا در جرایم خشونت‌آمیز» (باغبان زاده، ۱۳۹۶) در مقام بیان جرایم خشونت‌آمیز به طور مطلق برآمده که شامل جرایم جنسی و سایر جرایم خشونت‌آمیز نیز می‌شود که وجه افتراق آن با تحقیق حاضر این است که اولاً به بررسی کلیه جرایم خشونت‌آمیز پرداخته است نه جرایمی خاص؛ هر چند که در صورتی که فرض بر هم‌پوشانی جرایم هر دو تحقیق باشد، وجه افتراق مهمی که ضرورت وجود تحقیق حاضر را توجیه می‌نماید، بررسی پدیدهٔ تغییر و تشدید عنوان مجرمانه است که در تحقیق فوق‌الذکر بدان پرداخته نشده است. نویسندگان مقاله «رویکرد عوام‌گرایی کیفری به جرایم جنسی» (مقدسی و فرجیها، ۱۳۹۲) نیز به بررسی عوام‌گرایی کیفری در حوزه جرایم جنسی پرداخته‌اند که از حیث توضیح علت‌های رخداد عوام‌گرایی کیفری دارای مبانی مشترک با تحقیق حاضر می‌باشند، اما به علت اینکه به بررسی تغییر و تشدید عنوان مجرمانه نپرداخته و همچنین به جرایم ارتکابی با سلاح نپرداخته است، باعث افتراق با تحقق حاضر می‌شود.

توضیح اینکه جرایمی که رسانه‌ای می‌شوند، به دو دسته عام و خاص تقسیم می‌گردند: نخست جرایم عام که تنها با انتشار کلیپ و نشر خبری آن، پروندهٔ اخبار مربوط به آن جرم بسته شده و تقریباً دیگر خبری در خصوص سرنوشت متهمان آن پرونده مشاهده نمی‌گردد. مانند کلیپ سرقت مسلحانه شبانه از یک کیوسک در شهرستان چهاردانگه[1] و چندین کلیپ، و اخباری که در خصوص زورگیری و سرقت‌های مسلحانه به صورت ماهیانه انتشار می‌یابد و برخی حتی به خبرگزاری نیز نرسیده و سرنوشت آن‌ها با همان ویدیو کلیپ یا تصویر، به پایان می‌رسد. دوم، جرایم خاصی که پس از انتشار خبر، ویدیوکلیپ از عمل مجرمانه، از سوی رسانه‌ها پیگیری شده و تا زمان صدور حکم محکومیت، ادامه خواهد داشت. برخی از این پرونده‌ها عبارتند از زورگیری اتوبان نیایش[2]،

---

۱. در نخستین ساعات بامداد شنبه ۱۴ مرداد سال ۱۴۰۲ سه سارق مسلح نقاب‌دار با اسلحه وینچستر و قمه به یک کیوسک در میدان چهار دانگه حمله کردند که لحظات سرقت به واسطه تصاویر و فیلم های دوربین مدار بسته موجود در کیوسک، در فضای مجازی انتشار پیدا نمود.

۲. این پرونده عبارت است از انتشار یک کلیپ زورگیری در مرداد ماه ۱۴۰۱ در بزرگراه نیایش تهران که فردی با قمه در حال زورگیری و سرقت تلفن همراه یک شهروند که داخل خودرو در ترافیک بوده است می‌باشد که پس از سرقت نیز به سرعت متواری می‌شود.

زورگیران اتوبان صدر[۱]، شهید عجمیان[۲]، محسن شکاری[۳]، شهید علی‌وردی[٤]،تیراندازی مسلحانه در گوهردشت کرج[٥]، مجید رضا رهنورد[٦].

نکته‌ای که می‌بایستی مورد توجه قرار بگیرد این است که معمولاً جرایمی به صورت خاص رسانه‌ای می‌شوند که اولاً بزه‌دیدگان به دلیل شرایط سنی، جسمی، جنسی، شغلی و اجتماعی در جایگاه ویژه‌ای قرار دارند که عبارتند از اطفال و نوجوانان، معلولان، بانوان، افراد سرشناس حکومتی و افراد مشهور و سلبریتی در جامعه؛ ثانیاً بزه ارتکابی به صورت سریالی باشد مانند سرقت‌های مسلحانه زنجیره‌ای و قتل‌های سریالی؛ ثالثاً شرایط خاص حاکم بر جامعه مانند اغتشاشات سال ۱۴۰۱ که سه شرط مذکور اغلب باعث بازنمایی رسانه‌ای جرم می‌گردد. اما در خصوص شرایط خاص حاکم بر جامعه مانند اغتشاشات، این موضوع جنبهٔ استثنایی داشته و آن هم بدین دلیل است

---

۱. در تاریخ ۲۱ فروردین ۱۴۰۳ یک ویدیو کلیپ در فضای مجازی انتشار یافته است که شخصی در اتوبان صدر تهران در حال سرقت تلفن همراه احدی از شهروندان با سلاح سرد بوده که پس از سرقت متواری می شود.

۲. در ایام اغتشاشات سال ۱۴۰۱ در آبان ماه عده ای نا مشخص اقدام به بستن اتوبان کرج - قزوین نمودند که منجر به شلوغی اتوبان و حضور پلیس و ضابطان بسیجی گردید که در جریان این شلوغی، عده ای در مرحله نخست با شهید عجمیان درگیر می شوند و بر تعداد مردمی که در صحنه بودند و به شهید حمله ور می شوند افزوده شده و به ۱۴ نفر می رسند که هر یک به نوعی ضربه به پیکر شهید وارد می نمایند عده ای با چاقو و سنگ و عده ای هم با مشت و لگد که مجموع برخی از ضربات منجر به فوت وی می گردد.

۳. شرح ماجرا از این قرار بوده است که آقای محسن شکاری در جریان اغتشاشات سال ۱۴۰۱ اقدام به شرکت در اغتشاشات و بستن خیابان ستار خان نموده و با سلاح سرد به مامور نیروی انتظامی حمله نموده است که مامور مزبور از ناحیه کتف دچار جراحت گردیده است محسن شکاری در مهر ماه ۱۴۰۱ دستگیر و در آذر ماه همان سال به اتهام جرم محاربه اعدام گردید.

٤. در ایام اغتشاشات سال ۱۴۰۱، شهید علی وردی در محله شهرک اکباتان تهران جهت مقابله با نیروهای اغتشاشگر حاضر گردیده که تعداد نزدیک به ۱۵ نفر پس از تنها شدن شهید علی‌وردی به سمت وی حمله‌ور شده و وی در اثر ضربات چاقو و ضربات جسم سخت بر سر فوت می‌نماید.

٥. در تیر ماه ۱۴۰۱ یک کلیپ در فضای مجازی تحت عنوان درگیری مسلحانه اراذل و اوباش در کرج انتشار یافت با این مضمون که یک خودروی تندر نود مشکی جلوی درب یک مغازه توقف نموده و سه نفر با سلاح گرم وینچستر و قمه از خودرو پیاده شده که بدون هیچگونه داد و فریاد و تهدید، مستقیماً وارد مغازه شده و اقدام به تیراندازی نموده که نهایتاً فرد مورد نظر را به قتل رسیده و سپس به سرعت متواری می شوند.

٦. وی پس از اینکه در روز ۲۸ آبان در جریان اغتشاشات سال ۱۴۰۱ بازداشت شد، متهم گردید که در روز ۲۶ آبان در خیابان «حر عاملی» مشهد به شش بسیجی حمله کرده و در جریان این حمله دو تن از آنان کشته و چهار تن دیگر مجروح شده‌اند که دادگاه برای او حکم محاربه صادر و به اعدام محکوم شد.

که اغتشاشات به صورت نادر در کشور رخ می‌دهد اما دو شرط دیگر در جامعه وجود داشته و استثنایی نمی‌باشد؛ لذا شرط تحقق بازنمایی رسانه‌ای جرایم، همان دو شرط اول خواهد بود مگر اینکه شرایط حاکم بر جامعه خاص گردد. در نهایت با توجه به آنچه که بیان گردید زمانی که تمامی زمینه‌ها جهت رسانه‌ای شدن یک پرونده به صورت خاص فراهم آید، در آن واحد زمینه‌های تغییر و تشدید عنوان مجرمانه نیز جهت ایجاد تسلی خاطر جامعه و همچنین نمایش اقتدار دستگاه قضایی در برخورد با مجرمین نیز، فراهم شده است.

ساختار تحقیق در دو بخش تنظیم گشته است به طوری که در بخش اول، تبیین تغییر و تشدید عنوان مجرمانه مطرح گردیده و در بخش دوم نیز بررسی تغییر و تشدید عنوان مجرمانه در رسیدگی کیفری مورد بررسی قرار داده شده است.

۱. چرایی تغییر و تشدید عنوان مجرمانه

در طی سالیان اخیر با ملاحظه برخی پرونده‌هایی که رسانه‌ای شده‌اند، موضوع انتساب عنوان مجرمانه برای جرم ارتکاب یافته، محل بحث بوده است. به عبارت دیگر زمانی که ارتکاب جرم توسط یک فرد جنبهٔ رسانه‌ای پیدا نموده و امنیت روانی جامعه مختل گشته و همچنین باعث ترس از جرم و ناامنی در سطح جامعه می‌گردد، جدای از اینکه علت نتایج فوق می‌تواند بازنمایی رسانه‌ای جرم باشد (فرجیها و مقدسی، ۱۳۹۲: ۱۰۸)، بحث اینکه دستگاه قضایی در مرحلهٔ دادسرا کدامین عنوان اتهامی را به وی منتسب می‌نماید پدیدار می‌گردد. با توجه به تفسیربردار بودن متون حقوقی و قانونی، مقام قضایی در صورت وجود ابهام یا اجمال متون قانونی، مجبور به تفسیر قانون می‌باشد که این نوع از تفسیر قانون، تفسیر قضایی نام دارد (اردبیلی، ۱۳۹۴: ۲۱۵).

عناصر سه‌گانهٔ جرایم را قانون‌گذار در نصوص قانونی ذکر نموده است، اما برخی از جرایم وجود دارند که عنصر مادی آنان با یکدیگر مشابهت‌هایی دارند که امکان جایگزینی آن با جرم دیگر را فراهم می‌نماید. به عنوان مثال جرایم سرقت مسلحانه، محاربه، سلب آسایش عمومی، قدرت‌نمایی با چاقو و ایراد ضرب یا جرح عمدی با چاقو، از آن دسته جرایمی هستند که اگر فردی دچار یک رفتاری گردد که رفتار وقوع یافته قابلیت انطباق با حداقل دو نوع از جرایم مذکور، در انتساب عنوان مجرمانه شدیدتر به متهم وجود داشته باشد، در جرایمی که رسانه‌ای شده‌اند امکان اینکه این اتفاق به وقوع بپیوندد وجود خواهد داشت. برای نمونه حالتی را در نظر بگیرید که آقای الف با در دست داشتن سلاح سرد از قبیل چاقو و قمه اقدام به داد و فریاد و تهدید به دلیل مسائل شخصی یا ناموسی در مقابل محل کسب یک فرد، می‌نماید. فرد مذکور نیز از ترس وارد شدن جراحت به‌وسیلهٔ سلاح سرد، داخل محل کسب خود مانده و درب را قفل نموده است و تصویری که از اقدام آقای الف در

جریان است، سلب آسایش عمومی، قدرت‌نمایی با چاقو و تهدید متصور خواهد بود. توضیح اینکه اگر چنانچه عمل آقای الف توسط رسانه‌ها پوشش داده شود و کلیپ و تصویری از آن انتشار یابد، امکان انتساب جرم محاربه نیز دور از ذهن نخواهد بود، زیرا این گونه اقدامات در دستگاه قضایی بی‌سابقه نبوده است؛ اما اگر عمل آقای الف مانند ده‌ها و شاید صدها تهدید و قدرت‌نمایی با چاقو که در سطح کشور توسط افراد مختلف به وقوع می‌پیوندد رسانه‌ای نشود، نهایتاً به وی اتهامات تهدید و قدرت‌نمایی با چاقو منتسب خواهد گردید.

۲. جرایم مشمول تغییر و تشدید عنوان مجرمانه

مهم‌ترین عنصر از میان عناصر سه‌گانهٔ جرایم از حیث اخلال در نظم جامعه، عنصر مادی جرم می‌باشد. زیرا افراد جامعه تنها اقدام صورت گرفته از سوی متهم را مشاهده نموده و به حالات ذهنی وی توجه نمی‌نمایند (پرت، ۱۳۹۲: ۱۹۴)، از همین رو نیز با توجه به اخلالی که عمل متهم در سطح جامعه ایجاد نموده، اقدامات دستگاه قضایی در جهت پاسخ به اقدام صورت گرفته نیز تحت رصد مردم قرار خواهد داشت (وی رابرتز و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۶۸-۲۶۰). یک سری از جرایم وجود دارند که در عنصر مادی، با یک سری از جرایم، مشابهت‌هایی داشته و در برخی مواقع امکان تفهیم اتهام جرم شدیدتر به متهم وجود دارد. به عنوان نمونه جرم محاربه (موضوع ماده ۲۷۹ قانون مجازات)، جرم بغی (ماده ۲۸۷)، سرقت مسلحانه (موضوع ماده ۶۵۲)، قدرت‌نمایی با چاقو (موضوع ماده ۶۱۷)، سلب آسایش عمومی (موضوع ماده ۶۱۸) و ایراد ضرب و جرح عمدی (موضوع ماده ۶۱۴) از دسته این جرایم بوده که شدیدترین آنان، جرم محاربه بوده که در خصوص تفهیم اتهام محاربه به جای هر یک از جرایم فوق به علت ارتکاب رفتار مجرمانه توسط متهم، بی‌سابقه نبوده است.

با اندکی مداقه در جرایم فوق‌الاشاره، این امر بر ذهن متبادر خواهد شد که یک رفتار اصلی و تقریباً مشابه در میان تمامی جرایم فوق وجود دارد که آن رفتار عبارت است از رویت فردی سلاح‌به‌دست و برهم‌زنندهٔ آسایش عمومی یا ایجاد رعب و وحشت در سطح جامعه. همچنین ذکر این نکته نیز خالی از فایده نیست که در خصوص جرم بغی نیز داشتن سلاح شرط اصلی تحقق آن جرم بوده و اینکه بزه‌دیده از اقدامات متهم حکومت یا عوام باشد، در نتیجه، که برهم زدن آسایش عمومی و ایجاد ارعاب عمومی می‌باشد تفاوتی ایجاد نخواهد کرد (هاشمی و محمودی، ۱۴۰۱: ۲۰۸).

در بسیاری از پرونده‌هایی که رسانه‌ای گردیده است به وضوح شاهد انتساب جرم محاربه به جای هریک از جرایم مذکور حتی جرم بغی بوده‌ایم. به عنوان نمونه پروندهٔ زورگیر اتوبان نیایش، محسن شکاری، درگیری خصوصی چند تن از اراذل و اوباش معروف کرج، پروندهٔ شهید عجمیان و شهید آرمان علی‌وردی که تقریباً تمامی پرونده‌های مزبور تردد فردی در سطح شهر با سلاح و

ایجاد رعب و وحشت بوده است. توضیح اینکه طبق تحقیقات و بررسی میدانی پرونده‌های دادگاه کیفری یک، در اکثریت رفتارهایی که حاکی از حمل سلاح سرد و قدرت‌نمایی با آن می‌باشد، با توجه به اینکه عمل شخص رسانه‌ای گشته باشد یا خیر، تفهیم نوع اتهام به متهم متفاوت خواهد بود به طوری که در بررسی‌های میدانی به‌عمل آمده تقریباً تعداد انگشت‌شماری تفهیم اتهام جرم محاربه به جای جرایم فوق‌الاشاره وجود داشته است و در صورتیکه در رفتار مزبور اگر سرقتی صورت نمی‌پذیرفت، نهایتاً به اتهامات ضرب و جرح عمدی، اخلال در نظم و آسایش عمومی و قدرت‌نمایی با چاقو متهم رسیدگی می‌شده است و اگر هم سرقتی با سلاح از یک منزل یا محل کسب تجاری صورت پذیرفته بود، اتهام سرقت مسلحانه تفهیم گردیده است. در حالیکه دور از ذهن نخواهد بود که جرم محاربه به یک دستاویز امنیتی و تنبیهی تبدیل شده است که تحت شرایط خاصی اعمال می‌شود و در خصوص نحوهٔ احراز ارکان مادی و معنوی آن در خصوص عمل متهم، میان حقوق‌دانان بحث و جدل ایجاد نموده است.

تقریباً در اغلب پرونده‌هایی که رفتار فوق‌الاشاره را متهم انجام داده باشد و عمل وی رسانه‌ای در معنای خاص شده باشد یا در شرایط زمانی خاصی مانند تجمعات و اعتراضات سال ۱۴۰۱ که منجر به اغتشاش گردید، اتهام جرم محاربه به متهم تفهیم گشته است. در حالیکه با مطالعهٔ پرونده‌های مطروحه در دادگاه کیفری یک و کیفری دو و مطابقت رفتار مجرمانهٔ آنان با پرونده‌های محسن شکاری، مجیدرضا رهنورد، شهید عجمیان و شهید علی وردی و ... می‌توان بیان نمود که در پرونده‌های مذکور، اتهامات قتل عمدی، قتل شبه عمدی، ایجاد ضرب و جرح عمدی، سلب آسایش عمومی و ... بر رفتارهای آنان صدق می‌نموده در حالیکه به علت جو حاکم بر جامعه و بازتاب رسانه‌ای پرونده‌های فوق‌الذکر، عناوین مجرمانه آن‌ها دچار تغییر و تشدید گشته و به متهمان، اتهام محاربه تفهیم گردیده است.

۳. بررسی پرونده‌های واقعی در خصوص تغییر و تشدید عنوان مجرمانه

در این بخش پرونده‌هایی که اخیراً رسانه‌ای گشته و محل بحث میان حقوق‌دانان بوده و اغلب برای آنان تفهیم اتهام محاربه صورت پذیرفته است، به طور موردی، بررسی خواهیم کرد.

الف) پرونده زورگیر اتوبان نیایش تهران: شرح این پرونده عبارت است از انتشار یک کلیپ زورگیری در مرداد ماه ۱۴۰۱ در بزرگراه نیایش تهران که فردی با قمه در حال سرقت تلفن همراه یک شهروند که داخل خودرو در ترافیک بوده است که پس از سرقت نیز به سرعت متواری می‌شود. پس از دستگیری و سیر روند بسیار سریع تحقیقات دادسرا، خبر صدور کیفرخواست به اتهام جرم محاربه در هفتم شهریور ماه ۱۴۰۱برای متهم انتشار یافت. توضیح اینکه با توجه به تعریف جرم محاربه بر اساس

ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با مطالعهٔ چندین پروندهٔ سرقت مسلحانه در دادگاه کیفری یک، این نکته قابل بیان می‌باشد که پرونده‌های فوق تماماً زورگیری در خیابان با استفاده از سلاح سرد بوده است و تنها وجه متمایزکنندهٔ پرونده‌های مذکور با پروندهٔ زورگیر اتوبان نیایش، انتشار کلیپ از عمل مجرمانه در پروندهٔ اخیر بوده که به طور کلی مسیر پرونده را تغییر داده و وارد وادی جرم محاربه گردیده است. زورگیر اتوبان نیایش به مانند سایر سارقان مسلح تنها مرتکب یک سرقت مسلحانه شده، زیرا عمل وی جنبهٔ شخصی داشته و قصدی نسبت به عموم مردم نداشته است. با توجه به کلیپ، خودروها در حال گذر از کنار خودروی بزه‌دیده هستند و مشکلی در تردد و امنیت سایر مردم نیز ایجاد نشده است و اگر این عمل را محاربه تلقی نماییم، می‌بایست تمامی زورگیری‌های با استفاده از سلاح سرد در شوارع را محاربه تلقی نماییم؛ در صورتیکه با مطالعهٔ چندین پرونده سرقت مسلحانه مبرهن گردید که چنین موضوعی در کار نبوده و اتهام آنان تنها سرقت مسلحانه بوده است.

با مطالعه کامل پرونده‌های سرقت مسلحانه و بررسی رفتار ارتکاب‌یافته با استناد به گزارش ضابطان دادگستری، اعتراف متهم و شهادت شهود بدین نتیجه ختم گردید که رفتارهایی که متهمان پرونده‌های سرقت مسلحانه مرتکب شده‌اند، عیناً مشابه رفتار ارتکابی زورگیر اتوبان نیایش بوده است. زیرا از رفتار کامل وی ویدیوکلیپ موجود است و این ضرب‌المثل را به ذهن متبادر خواهد ساخت: «آنچه که عیان است چه حاجت به بیان است». متأسفانه این موضوع رخ داده و در نهایت اتهام محاربه به زورگیر اتوبان نیایش تفهیم گردید و این اتهام در دادگاه انقلاب تهران مورد تأیید قرار گرفته و در نهایت حکم اعدام برای متهم صادر گردید، به هر حال با توجه به اینکه دسترسی به پرونده‌های دادگاه انقلاب برای نگارندگان میسر نبوده است و همکاری‌های لازم در این خصوص صورت نپذیرفت، اگر ادلهٔ خاصی دال بر وقوع جرم محاربه در پرونده وجود نداشته است و با این وجود، حتی اگر قضات در راستای صدور حکم محاربه، استدلال و تحلیل نیز نموده باشند، صدور حکم محاربه محل تفکر و تعمق خواهد بود. لازم به ذکر است که دلیل این اتفاق نیز پیگیری و تیترهای رسانه‌ها و همچنین واکنش سلبریتی‌ها از طریق فضای مجازی بوده که منجر به فشار بر قوه قضاییه از جهت نحوهٔ برخورد با متهم از دید مردم گردید که در نهایت منجر به چنین سرنوشتی در حق متهم شد.

۲. پرونده زورگیران اتوبان صدر تهران: این پرونده نیز مشابه پروندهٔ قبلی بوده و در تاریخ ۲۱ فروردین ۱۴۰۳ یک ویدیو کلیپ در فضای مجازی انتشار یافت که شخصی در اتوبان صدر تهران در حال سرقت با سلاح سرد از یکی از شهروندان بوده و پس از سرقت متواری می‌شود. تمامی جزئیات کلیپ و حادثه مشابه پروندهٔ قبلی بوده است که پس از انتشار کلیپ، متهمان به صورت ضرب‌العجلی در تاریخ بیست و هفتم فروردین ماه ۱۴۰۳ دستگیر شدند. پس از آن نیز در تاریخ

بیست و چهارم اردیبهشت ۱۴۰۳ کیفرخواست متهمان به جرم محاربه صادر گردید و متأسفانه در نهایت حکم اعدام متهمان ردیف اول و دوم و حکم ۲۵ سال حبس برای متهم ردیف سوم به اتهام معاونت در محاربه در تاریخ بیستم تیرماه ۱۴۰۳ از شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران صادر گردید. هرآنچه که در پروندهٔ زورگیر اتوبان نیایش رخ داده بود، عیناً در این پرونده نیز تکرار گردید؛ به طوری که از تاریخ ارتکاب جرم لغایت صدور حکم اعدام سه ماه نیز زمان نبرده است و این اقدامات همگی به علت رسانه‌ای شدن عمل متهمان بوده و در سایر پرونده‌ها از این آمار و ارقام خبری نبوده است و آنچه که تا به الان نیاز به جمع‌بندی دارد، دو پرونده‌ای که در اصل سرقت مسلحانه بوده اما به علت رسانه‌ای شدن پرونده‌های مزبور، از سایر پرونده‌های سرقت مسلحانه که رفتار ارتکاب یافته با هر دو پرونده فوق مشابه است، تغییر مسیر داده و وارد جرم محاربه و از همه جالب‌تر آنکه از میان چهار مجازات موجود برای جرم محاربه، فقط صدور حکم اعدام در دستور کار قرار گرفته است، در حالیکه در پرونده‌های مشابه، اولاً جرم سرقت مسلحانه بوده و حکم آن چندین سال حبس است و ثانیاً در برخی پرونده‌ها حتی حکم به حداکثر مجازات نیز صادر نشده چه برسد به احراز جرم محاربه. ثالثاً حتی در برخی پرونده‌ها اعمال تخفیف نیز صورت پذیرفته است.

۳. پرونده محسن شکاری: یکی از پرونده‌های پرهیاهوی اغتشاشات سال ۱۴۰۱، پروندهٔ شخص مذکور بوده است. شرح ما وقع از این قرار بوده است که وی در جریان اغتشاشات سال ۱۴۰۱ اقدام به شرکت در اغتشاشات نموده و با سلاح سرد به مأمور نیروی انتظامی حمله کرده و مأمور مزبور از ناحیه کتف دچار جراحت گردیده است. محسن شکاری در مهر ماه ۱۴۰۱ دستگیر و در ۱۷ آذر ماه ۱۴۰۱ به اتهام جرم محاربه اعدام گردید.

بحث‌ها و مناظره‌هایی در خصوص پروندهٔ وی و شرایط تحقق جرم محاربه شکل گرفت که برخی به صحت رأی دادگاه بر اتهام محاربه و برخی به عدم صحت آن عقیده داشتند؛ اقدام محسن شکاری که بستن خیابان با در دست داشتن قمه برای مقابله با حکومت بوده و مردم را به همراهی با خود ترغیب می‌نموده و به عبارت دیگر تهدیدی علیه مردم بوده است و از آنان فقط طلب یاری داشته است و با قمهٔ موجود در اختیارش به مأمور انتظامی حمله نموده است را می‌توان با جرایمی از قبیل: بغی (موضوع ماده ۲۸۷)، قدرت‌نمایی با چاقو (موضوع ماده ۶۱۷)، سلب آسایش عمومی (موضوع ماده ۶۱۸)، و ایراد ضرب و جرح عمدی (موضوع ماده ۶۱۴) مطابقت داد. زیرا اقدامات این چنینی توسط اراذل در سطح کشور بی‌سابقه نیست. لازم به ذکر است که اراذل مذکور در بسیاری از مواقع اقدام به تهدید و آسیب علیه جان و مال شهروندان می‌نمایند که با مشاهدهٔ پرونده‌های موجود در دادگاه‌های کیفری دو و مطالعهٔ رفتارهای ارتکاب یافته و ادلهٔ موجود در پرونده، محرز گردید که رفتارهای ارتکابی توسط اراذل

تقریباً یکسان و در مواردی شدیدتر از اقدام محسن شکاری بوده اما برای افراد فوق، اغلب کیفرخواست‌هایی با موضوع اتهامات جرایم سلب آسایش عمومی، قدرت‌نمایی با چاقو و ایجاد جراحت عمدی با چاقو و توهین و تهدید صادر گشته و در خصوص برخی نیز تخفیف در مجازات نیز صورت پذیرفته است، حال اینکه پروندهٔ محسن شکاری به علت رسانه‌ای شدن با وجود اینکه وی ۲۲ سال سن داشته و دارای سابقهٔ کیفری نبوده است، به شدیدترین حالت ممکن مجازات تعیین شده است و بازهم صدور حکم محاربه و از میان چهار مجازات مقرر، تنها اعدام انتخاب گشته است.

۴. پرونده شهید عجمیان: در ایام اغتشاشات سال ۱۴۰۱ در آبان ماه عده‌ای نامشخص اقدام به بستن اتوبان کرج ـ قزوین نمودند که منجر به شلوغی اتوبان و حضور پلیس و ضابطان بسیجی گردید که در جریان این شلوغی شهید عجمیان به قتل رسید. با توجه به مدارک موجود و جزئیات جلسهٔ علنی دادگاه، شرح واقعه از این قرار بوده است که عده‌ای در مرحلهٔ نخست با شهید عجمیان درگیر می‌شوند و بر تعداد مردمی که در صحنه بودند افزوده شده و به ۱۴ نفر می‌رسند که هر یک به نوعی ضربه به پیکر شهید وارد می‌نمایند. عده‌ای با چاقو و سنگ و عده‌ای هم با مشت و لگد که در مجموع برخی از ضربات منجر به فوت وی می‌گردد. نکتهٔ حائز اهمیت این است که در این پرونده نیز با وجود احتمالات و وجود ادله بر قتل عمدی شهید عجمیان، باز هم حکم بر محاربه و افسادفی‌الارض بر علیه همهٔ متهمان صادر شد که در این میان دو تن به اعدام محکوم گردیده و مابقی به نفی بلد طولانی محکوم شدند. با مطالعهٔ پرونده‌های دارای رفتار مشابه رفتار متهمان قتل شهید عجمیان در دادگاه کیفری یک و کیفری دو، مشخص گردید که متهمان این قبیل رفتارها نیز به قدرت‌نمایی با چاقو، ایجاد جرح عمدی با چاقو، قتل عمدی و قتل شبه‌عمدی محکوم می‌گردند و علت وجود چنین برخورد شدیدی با متهمان پروندهٔ شهید عجمیان که اغلب فریب‌خورده بودند رسانه‌ای شدن عمل آنان و علاوه بر آن، نقض نرم اصل استقلال قضایی توسط خود قضات بوده است و به همین علت اتهامات محاربه و افسادفی‌الارض به آنان تفهیم شده است. زیرا هیچ گاه با صرف یکبار بستن خیابان یا مشارکت در ضرب و جرح یک فرد، افسادفی‌الارض واقع نخواهد شد و این موضوع، ضرورت بازبینی در شاخص‌های روان‌شناختی قضات، توسط معاونت منابع انسانی قوه قضاییه در جذب و ارتقای قضات را ایجاب می‌نماید، زیرا قاضی صادرکنندهٔ حکم، می‌تواند تعیین‌کنندهٔ سرنوشت زندگی یک شخص قلمداد شود و نبایستی از بازنمایی رسانه‌ای آن قدر تأثیر بپذیرد که عنوان مجرمانه را دچار تغییر و تشدید کرده و در نهایت عنوان مجرمانه‌ای نادرست را تفهیم نماید.

۵. پرونده شهید آرمان علی‌وردی: در این پرونده شرایط مشابه پرونده شهید عجمیان می‌باشد. بدین شکل که شهید علی‌وردی در محلهٔ شهرک اکباتان تهران جهت مقابله با نیروهای اغتشاش‌گر حاضر

گردیده و تعداد نزدیک به ۱۵ نفر پس از تنها شدن شهید علی‌وردی به سمت وی حمله‌ور شده و وی در اثر ضربات چاقو و ضربات جسم سخت بر سر فوت می‌نماید. پس از دستگیری متهمان و برقراری جلسه دادگاه، متهمان به مشارکت در قتل و محاربه محکوم گردیدند. توضیح اینکه در این پرونده نیز کمافی‌السابق برای متهمان این پرونده اتهام محاربه در نظر گرفته شده است که انتساب این جرم به متهمان محل تأمل است. زیرا با هیچ کدام از قیود جرم محاربه هم‌خوانی نداشته و بزه‌دیده از عوام مردم نبوده و انگیزهٔ متهمان شخصی بوده است که وی مذهبی و حزب‌الهی است و نه بستن خیابانی انجام شده نه جرم علیه جان و مال مردم بوده است و مانند تمام درگیری‌های منجر به قتل عادی که پرونده‌های آن در دادگاه‌های کیفری مطرح است، شهید آرمان علی‌وردی را در کنار خیابان به قتل رساندند، اما به علت رسانه‌ای شدن قتل شهید علی‌وردی، اتهام جرم محاربه به متهمان تفهیم شد.

۶. پروندهٔ تیراندازی مسلحانه در گوهردشت کرج: در تیر ماه ۱۴۰۱ یک کلیپ در فضای مجازی انتشار یافت تحت عنوان درگیری مسلحانهٔ اراذل در کرج با این مضمون که یک خودروی تندر نود مشکی جلوی درب یک مغازه توقف نموده و سه نفر مسلح از آن پیاده شده که بدون فریاد و تهدید، مستقیماً وارد مغازه شده و فرد مورد نظر را به قتل رسانده و سپس متواری می‌شوند. در نهایت پس از دستگیری اتهام محاربه به متهمان منتسب می‌گردد. لازم به ذکر است با توجه با مصاحبه رئیس دادگستری استان البرز در خصوص جزئیات این پرونده، علت قتل اختلافات قبلی بوده است؛ نکات قابل ملاحظه در خصوص این پرونده موارد ذیل می‌باشد.

اولاً قید انگیزهٔ عمومیت داشتن در جرم محاربه در خصوص این پرونده مخدوش است، زیرا مطابق با آنچه که بیان گردید، انگیزهٔ قتل شخصی بوده است. چنانکه در ماده ۲۷۹ نیز صراحتاً قید گردیده که «هر گاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد، محارب محسوب نمی‌شود». دوم اینکه اقدامات آن‌ها بنابر مدارک موجود به قصد جان، مال، ناموس یا ارعاب مردم نبوده و تنها به قصد جان یک شخص خاص عزیمت نموده‌اند و تقریباً انتساب جرم محاربه به آنان غیرممکن بوده است، اما به علت رسانه‌ای شدن عمل آنان جرم محاربه تفهیم شده و در نهایت در دادگاه نیز بابت همین اتهام حکم اعدام صادر و اجرا شده است.

۴. جرم محاربه

در جمع‌بندی مطالب فوق بایستی بیان نمود که نقطهٔ مشترک پرونده‌های فوق‌الذکر، به جای انتساب جرایمی همچون قتل عمدی، قتل شبه عمدی، بغی، سرقت مسلحانه و تمامی جرایم مشمول تغییر و تشدید عنوان مجرمانهٔ فوق‌الذکر، انتساب اشتباه جرم محاربه به متهمان بوده و در حالت اسفناک‌تر، از میان چهار مجازات مقرر برای محاربه، تنها حکم اعدام انتخاب و صادر شده

است. به همین دلیل نکاتی جهت جمع‌بندی شرط تحقق جرم محاربه به شرح ذیل بیان می‌گردد. محاربه را یا باید جنگ با مردم دانست یا حکومت؛ زیرا جمع هر دو غیرممکن است. حکومت و مردم قابل جمع با یکدیگر نیستند و لفظ مردم به‌ماهو مردم است و قدر متیقن این است که افراد حکومتی (بالخصوص نیروی‌های نظامی و انتظامی) در زمان اجرای وظیفه، داخل در مردم نمی‌شوند اما در سایر مسائل لفظ مردم بر تمامی افراد نیز صدق خواهد کرد (قاسمی مقدم و نیک زر، ۱۳۹۹: ۳۸۱). یکی از تفاوت‌های جرم محاربه و بغی، تفاوت از حیث موضوع جرم است؛ موضوع جرم آن چیزی است که جرم بر روی آن واقع می‌شود. در جرم سرقت موضوع جرم مال غیر است و در جرم قتل موضوع جرم حیات انسان است. محاربه یکی از مصادیق بارز جرایم علیه امنیت داخلی بوده لذا موضوع آن هم امنیت کشور است، لیکن این امنیت بیش از آنکه ناظر به امنیت دولت باشد بیشتر ناظر بر امنیت عمومی مردم است (پوربافرانی، ۱۳۹۱: ۵۷). مقابله با دولت و حکومت اسلامی در قلمرو جرم بغی قرار می‌گیرد، در حالیکه در جرم محاربه، اخلال در امنیت جامعه (مردم) ایجاد می‌شود. صرف نظر از اینکه دولت حاکم چه دولتی باشد (کریمی و احمدی، ۱۴۰۲: ۶۰). سوءنیت خاص جرم محاربه عبارت از تعلق ارادهٔ مرتکب بر نتیجهٔ مجرمانه است. در تعبیری دیگر سوءنیت خاص عبارت از قصد تحصیل نتیجهٔ مجرمانه است و نتیجهٔ مجرمانهٔ جرم محاربه هم عبارت از «ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم است». این جرم از زمرهٔ جرایمی است که هم از رکن مادی مقید به حصول نتیجه است و هم از حیث رکن روانی و شرط تحقق آن وجود سوءنیت خاص یعنی قصد تحصیل نتیجهٔ مجرمانه ضروری است. اگر در مرتکب جرم چنین قصدی هم نباشد، مثلاً مردم به طور اتفاقی از او بترسند جرم محاربه محقق نیست (سام خانیانی، ۱۳۹۳: ۱۴۰).

به طور کلی در جرم محاربه چند رکن اساسی وجود دارد. نخست اینکه قصد متهم عموم مردم باشد و نه یک شخص خاص، دوم اینکه در عمل نیز همین اتفاق انجام شود و بزه‌دیده مردم باشند نه فردی مشخص با هدف قبلی (که به عنوان مثال وی را از بانک تعقیب نموده و در خیابان با چاقو کیف وی را می‌رباید). سوم هم اینکه قصد ایجاد ناامنی در محیط را نموده باشد و در عمل نیز این ناامنی اتفاق افتاده باشد (باقری، ۱۳۹۸: ۲۴). توضیح اینکه در خصوص قیود فوق، متن قانون کمی کلی بوده و دارای ابهام می‌باشد و همین امر باعث اختلاف نظر میان حقوق‌دانان و قضات گشته است که کمی به توضیح آن می‌پردازیم.

بنا بر آنچه بیان شد واژه‌هایی که کار را مشکل ساخته است عبارتند از: «مردم»، «ناامنی» که در تفسیر هر یک اختلافاتی وجود دارد. به عنوان مثال، در جریان اغتشاشات سال ۱۴۰۱ اختلاف نظراتی میان حقوق‌دانان مطرح گردید که آیا هنگام مقابله اغتشاش‌گر با مأمورین نظامی و انتظامی، واژهٔ مردم

به مأمورین مزبور نیز صدق می‌کند یا خیر. اینکه آنان در زمان اجرای وظیفه جزء حکومت قرار می‌گیرند و از مردم عادی منفک می‌شوند، تأثیری در این برداشت ندارد؟ همچنین در خصوص واژهٔ ناامنی، منظور تا چه میزان ناامنی است آیا بایستی در حد فرار شهروندان از خیابان و پناه به منزل و اختلال شدید چندین ساعته یا چندین روزه در تردد و نظم عمومی باشد یا در حد اینکه در حال گذر هستند و لحظه‌ای بترسند نیز کفایت می‌کند (مانند پرونده اتوبان زورگیر نیایش و زورگیر اتوبان صدر) و در نهایت احراز سوءنیت خاص مذکور در عبارت «به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارعاب آن‌ها» در ماده ۲۷۹ که از اجزای لازم برای تحقق و احراز جرم محاربه می‌باشد، با مشکل مواجه بوده و برای این موارد متاسفانه استفساریه ای از مجلس شورای اسلامی تا کنون درخواست نشده تا بتوان به درستی جرم محاربه را احراز نمود تا به ابزار و دست‌آویز امنیتی ـ تنبیهی و جو رسانه‌ای تبدیل نشود. لازم به توضیح است که منظور از دست‌آویز امنیتی، حاکم بودن جو خاص بر جامعه مانند اغتشاشات سال ۱۴۰۱، در زمان ارتکاب جرم و صدور حکم بوده و منظور از دست‌آویز تنبیهی زمانی است که جامعه در حالت عادی می‌باشد، اما دستگاه قضایی در راستای نمایش اقتدار در برخورد با مجرمین و اقناع رسانه‌ها، از جرم محاربه استفاده می‌نماید.

۵. بررسی تغییر و تشدید عنوان مجرمانه در رسیدگی کیفری

در این قسمت نیز به بررسی تأثیر بازنمایی رسانه‌ای جرم بر ایجاد پدیدهٔ فوق‌الذکر در مراحل دادگاه بدوی و دیوان عالی کشور خواهیم پرداخت.

۵-۱. دادگاه کیفری بدوی

با وجود ماده ۲۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری که مضمون آن بدین شرح است : «عنوان اتهامی که در کیفرخواست ذکر می‌شود، مانع از تعیین عنوان صحیح قانونی توسط دادگاه نیست»؛ دادگاه دارای اختیار تغییر و تصحیح عنوان اتهامی و به تبع آن حصول اطمینان از نحوهٔ رفتار ارتکابی و تعیین عنوان اتهامی صحیح به متهم می‌باشد (خالقی، ۱۳۹۹: ۳۸۸). اما در خصوص پرونده‌هایی که رسانه‌ای شده‌اند، تقریباً در تمامی موارد دادگاه عناوین اتهامی موجود در کیفرخواست را تأیید می‌نماید. در مطالعات انجام شده در خصوص پرونده‌های عادی موجود در دادگاه کیفری یک، این امر محرز گردید که در بسیاری از پرونده‌های عادی، به عنوان مثال از دادسرا، کیفرخواست با اتهام قتل عمدی ارسال گشته اما دادگاه بدوی آن را غیرعمدی تشخیص داده است؛ غرض اینکه دادگاه بدوی در خصوص صحت عنوان اتهامی پیگیر بوده و اقدام به جست‌وجو می‌نماید و تا حد امکان صحیح‌ترین عنوان اتهامی را به متهم منتسب می‌نماید، اما در خصوص پرونده‌هایی که رسانه‌ای شده‌اند، لااقل پرونده‌های فوق‌الذکر که مورد بررسی قرار گرفت، عناوین اتهامی آنان صحیح نبوده

و از جانب دادگاه نیز اقدامی در این خصوص به‌عمل نیامده است.

به نظر می‌رسد که اقدامات دادگاه‌ها نیز به علت فشار رسانه‌ها و خشونت در میان طیف خاصی از مردم (که انتظار مجازاتی بسیار سنگین را برای متهم دارند) باشد؛ دادگاه در تعیین نوع عنوان اتهامی آزاد بوده اما مانند آنچه که در دادسرا اتفاق افتاده است، در دادگاه به طور کمتری اتفاق می‌افتد، زیرا قسمت عمده کار و عناوین اتهامی شدید را دادسرا انجام داده است و دادگاه آن عناوین را تکمیل و تأیید می‌نماید، اما این موضوع نافی این نخواهد بود که دادگاه، نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای نسبت به دادسرا، در تعیین عنوان اتهامی متهم، قبل از صدور حکم را دارد زیرا با توجه به ماده فوق‌الذکر، دادسرا هر عنوان اتهامی را که متناسب با رفتار مجرم تشخیص دهد، می‌تواند در کیفرخواست آن را مطرح نموده و از دادگاه درخواست محکومیت و مجازات بابت آن اتهام را بنماید اما دادگاه می‌بایستی با توجه به اقتضای اصل عدالت، تفسیر غایی و تفسیر مضیق قوانین کیفری، از گسترش دامنهٔ شمول جرم شدیدتر مانند محاربه و یا تطبیق با جرایم شدیدتر نظیر قتل عمدی و قتل شبه عمدی، خودداری نموده و به‌مثابهٔ سایر پرونده‌های مطروحه برخورد نماید تا به رسیدگی عادلانه خدشه وارد نگردد.

۵-۲. دیوان عالی کشور

با توجه به این که در جرایمی که رسانه‌ای شده‌اند، دیوان عالی کشور در خصوص عنوان اتهامی از سوی دادگاه، دخالتی ننموده و فقط در خصوص نوع و میزان مجازات صادره از دادگاه بدوی اقدام به اظهار نظر و صدور رأی می‌نمود اما با بررسی اطلاعات پرونده‌های رسانه‌ای شده، این موضوع محرز گردید که در برخی از پرونده‌های فوق، دیوان عالی کشور به درستی و به دور از فشار رسانه‌ها و افکار عمومی، به اتهامات اشخاص رسیدگی می‌نماید و رأی شدید و محل اشکال دادگاه بدوی را نقض می‌نماید به عنوان نمونه در پرونده شهید عجمیان، در ابتدا پنج نفر از متهمان محکوم به اعدام شدند و حکم دو نفر آنان تأیید و اجرا شد اما در خصوص سه نفر دیگر، حکم دادگاه بدوی نقض گردیده و نهایتاً حکم افراد فوق، از اعدام به نفی بلد تغییر یافت. در خصوص پروندهٔ عقرب سیاه نیز دیوان عالی کشور، رأی دادگاه بدوی در خصوص اعدام متهم را نقض، وی را تبرئه نموده و پرونده به دادگاه بدوی اعاده گردیده است. همچنین در خصوص پروندهٔ زورگیر اتوبان نیایش، دیوان عالی کشور در پاسخ به اعتراض به حکم اعدام، حکم صادره را نقض نموده و با ایراد نقص تحقیقات پرونده را به دادسرا اعاده نمودند که پس از تحقیقات مجدداً حکم اعدام توسط شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران صادر گردید و مجدداً اعتراض متهم را در پی داشته است که دیوان عالی کشور پس از نقض رأی صادره، پرونده را به شعبه هم‌عرض، شعبه ۲۹ دادگاه انقلاب اسلامی تهران ارسال نموده که شعبه مذکور رأی محکومیت بر حبس و نفی بلد متهم صادر کرده است.

با عنایت بر آنچه بیان شد مشخص گردید، دیوان عالی کشور در برخی پرونده‌ها به دور از فشار رسانه‌ها و افکار عمومی عمل نموده و توانایی مقابله با عوام‌گرایی کیفری را دارد که این موضوع خود باعث امیدواری از جهت وجود پتانسیل مقابله با عوام‌گرایی کیفری در دستگاه قضایی می‌باشد، هرچند که در اکثریت پرونده‌های رسانه‌ای شده، دیوان اقدام به تأیید احکام و عناوین مجرمانه انتسابی به متهمان نموده اما اقدام به نقض در همین چند پرونده نیز، نشانه‌های امیدواری را باقی می‌گذارد.

عنوان مجرمانهٔ منتسب به متهم، از لحاظ ماهوی ریشهٔ آغازین روند رسیدگی کیفری می‌باشد؛ به طوریکه اگر بازنمایی رسانه‌ای جرم، پرونده را تحت تأثیر قرار نداده و خللی بر مجرای عدالت در رسیدگی کیفری وارد نسازد، شاهد انتساب عنوان مجرمانهٔ صحیح به متهم بوده و صدور حکم بر مجازات حتی به حداکثر مجازات، با هیچ‌گونه انتقادی مواجه نخواهد شد زیرا دادگاه از اختیارات قانونی خود استفاده نموده و در راستای اقناع عوام و آرام نمودن جو متشنج جامعه، قدمی بر نهاده است، اما در این خصوص از دیوان عالی کشور انتظار می‌رود که در صحت و سقم عناوین مجرمانه پرونده‌های پرهیاهو ورود نموده تا از نفوذ و تأثیر عوام‌گرایی کیفری بر رسیدگی قضایی جلوگیری نماید و باعث حرکت پرونده در مسیر عادلانه گردد.

نتیجه

پدیدهٔ تغییر و تشدید عنوان مجرمانه، گریبانگیر افرادی که جرم‌شان دچار بازتاب رسانه‌ای گردیده، شده است. اگر روند تحقیقات و رسیدگی کیفری در زمان مناسب سپری گردد، از شدت و میزان فشار رسانه‌ها و افکار عمومی کمی کاسته شده و مقامات دادسرا و دادگاه می‌توانند عادلانه‌تر اتهامات صحیح را به متهم منتسب نموده و برای وی حکم مجازات مقتضی صادر نمایند. توضیح اینکه بنابر آنچه تا کنون بیان گردیده است، دادگاه رسیدگی‌کننده جهت اثبات اقتدار دستگاه قضایی و اقناع افکار عمومی، در هرگونه جرایمی که قدرت نمایی با چاقو باشد چه سرقت مسلحانه، بغی و جرح عمدی، متوسل به جرم محاربه گردیده و از میان چهار مجازات مقرر محاربه، برای متهمان ردیف اول صرفاً احکام اعدام را انتخاب می‌کند. این موضوع در حالی است که در سراسر کشور روزانه تعداد بی‌شماری رفتار عیناً یکسان و در بسیاری از موارد شدیدتر از جرایم ارتکابی که بازتاب رسانه داده شده‌اند، در حال رخ دادن بوده و اغلب به جرایم مرتبط خودشان محکوم می‌گردند و احراز جرم محاربه را به سهولت رقم نمی‌زنند.

در خصوص جرمی که رسانه‌ای شده است، جرایم: بغی، قدرت نمایی با چاقو، سلب آسایش عمومی، ضرب جرح عمدی، سرقت مسلحانه و جرایم ضد امنیت داخلی کشور با جرم محاربه خلط گردیده است و می‌توان بیان کرد که جرم اخیرالذکر به دست‌آویز امنیتی و تنبیهی تبدیل شده به طوری

که در جریان اغتشاشات سال ۱۴۰۱ جهت آرام کردن جو خاص حاکم بر طیف فکری خاصی از جامعه به دست‌آویز امنیتی تبدیل شده و در خصوص زمانی که جامعه در حالت عادی بوده اما بازنمایی رسانه‌ای یک جرم، جو روانی جامعه را متشنج نموده، به دست‌آویز تنبیهی تبدیل شده است.

پس از طی روند رسیدگی دادگاه بدوی و صدور حکم اغلب خشونت‌آمیز نظیر اعدام، از میزان فشار رسانه‌ها و افکار عمومی کمی کاسته می‌شود به طوریکه در مواردی احکام اولیه صادره از دادگاه بدوی، توسط دیوان عالی کشور نقض گردیده و این موضوع حکایت از خودمختاری دیوان داشته که البته صرفاً در خصوص برخی از پرونده‌ها صادق بوده و در مورد برخی دیگر از پرونده‌های دارای بازتاب رسانه‌ای، دیوان رأی صادره محل اشکال دادگاه بدوی را ابرام می‌نماید.

منابع

- اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۹۴). حقوق جزای عمومی. جلد نخست. چاپ چهل و پنجم. تهران: نشر میزان
- باقری، ابراهیم. (۱۳۹۸). «موضوع شناسی محاربه و افساد فی الارض در فقه و حقوق اسلامی». نشریه پاسخ، شماره ۱۵ و ۱۶.
- پرت، جان. (۱۳۹۲). عوام‌گرایی کیفری بسترها، عوامل و آثار. ترجمه هانیه هژبرالساداتی. چاپ اول. تهران: نشر میزان.
- وی رابرتز، جولیان و ایندرمار، دیوید و هاف، مایک و لورتا، جی استالانز. (۱۳۹۲). عوام‌گرایی کیفری و افکار عمومی: درس‌هایی از پنج کشور. ترجمه: رضوانی، سودابه و هژبرالساداتی هانیه، باقری نژاد زینب و کاظمی جویباری، مهدی. چاپ اول. تهران: نشر میزان
- پور بافرانی، حسن. (۱۳۹۱). تحلیل جرم محاربه. مجله مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، دوره سوم. شماره ۴.
- خالقی، علی. (۱۳۹۹). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری. چاپ شانزدهم. تهران: نشر موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.
- رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۴۰۱). کلیات جرم شناسی: محتوا و تحول؛ از دیروز تا امروز. چاپ دوم. تهران: نشر نگاه معاصر.
- سام خانیانی، بهمن. (۱۳۹۳). بررسی فقهی و حقوقی محاربه با توجه به قیود ماده ۲۷۹ قانون جدید مجازات اسلامی. مجله رسائل. شماره ۱.
- فرجیها، محمد و مقدسی، محمدباقر. (۱۳۹۲). بسترهای ظهور عوام گرایی کیفری. نشریه نامه مفید. دوره نهم، شماره ۲.
- فرجیها، محمد. (۱۳۸۵). بازتاب رسانه‌ای جرم. نشریه رفاه اجتماعی. دوره ششم. شماره ۲۲
- قاسمی مقدم، حسن و نیک زر، نیکو. (۱۳۹۹). رکن نهایی در جرم محاربه و عنصر روانی ناظر بر آن. نشریه فقه و مبانی حقوق اسلامی. دوره پنجاه و سوم. شماره ۲.
- کریمی، محمدکاظم و احمدی، سیدمهدی. (۱۴۰۲). تحلیل محاربه در جرایم علیه امنیت و نظم عمومی کشور. نشریه پژوهش‌های حقوقی قانون‌یار، دوره ششم. شماره ۲۳.
- هاشمی، سیدحسین و محمودی، احمدعلی. (۱۴۰۱). بررسی جرم بغی در فقه و حقوق کیفری ایران. دوفصلنامه علمی حقوق تطبیقی، دوره نهم. شماره ۲.